



ایمان عقلانی و ایمان تقلیدی

دینانی نوشت: صرف نظر از اینکه وحی با عقل چه رابطه ای دارد و میزان مناسبت و سنخیت میان آن تا چه اندازه روشن است در یک مساله نباید تردید روا داشت و آن این است که خداوند از طریق وحی عقل را محکوم نمی کند.

دینانی نوشت: صرف نظر از اینکه وحی با عقل چه رابطه ای دارد و میزان مناسبت و سنخیت میان آن تا چه اندازه روشن است در یک مساله نباید تردید روا داشت و آن این است که خداوند از طریق وحی عقل را محکوم نمی کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، آنچه در پی می آید متن یادداشت دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی درباره مفهوم ایمان است؛

ایمان عقلانی و ایمان تقلیدی

در میان همه کسانی که به وجود خداوند باور دارند کسی را نمی شناسیم که در متکلم بودن حق تبارک و تعالی تردید داشته باشد. به مقتضای لزوم و ضرورت به زبان آوردن شهادتین که دو رکن عمده و بنیادی اسلام شناخته می شوند، حضرت محمد (ص) رسول خداوند است و رسول کلمه تام و تمام الهی است که ارتباط میان خدا و جهان را آشکار می سازد.

کلمه رسول به همان اندازه که به بر نوعی نزول و تنزیل دلالت دارد با نوعی صعود و عروج نیز همراه است. ظهور حضرت ختمی مرتبت در نزول کامل وحی قرآنی آشکار می گردد. البته صعود و عروج او نیز در ليله الاسری و به صورت معراج انجام می پذیرد. نزول کلمه الهی به مقتضای لطف پروردگار تحقق می یابد ولی صعود و عروج این کلمه نتیجه تلاش و کوشش انسان است که با مدد حق تبارک تعالی صورت می پذیرد. و در اینجاست که می توان گفت الهام و عقل نه تنها مانع الجمع نیستند بلکه یکی از آنها در درون دیگری ادغام می گردد زیرا همانگونه که یادآور شدیم نزول از جانب حق تبارک تعالی و صعود به سوی او، در کلمه پیدا می شود.

این مساله نیز مسلم است که کلمه همواره صورتی از یک معنی معقول به شمار می آید. به عبارت دیگر می توان گفت در وحی و الهام الهی، کلمات، ظهور عقل و صورت اندیشه شناخته می شوند و هرگز نمی توان ادعا کرد که این کلمات از معنی معقول خود منفک و منعزل گشته اند. به این ترتیب اگر کسی ادعا کند که عقل، معارض و منافی با وحی و الهام نیست، سخنی از روی گراف نگفته است.

صرف نظر از اینکه وحی و الهام با عقل چه رابطه ای دارند و میزان مناسبت و سنخیت میان آنها تا چه اندازه روشن است در یک مساله نباید تردید روا داشت و آن این است که خداوند از طریق وحی و الهام، عقل را محکوم نمی کند و آن را به غل و زنجیر نمی کشد. برای اهل بصیرت پوشیده نیست که یقین عقلی و نوع ایمانی که از روی تعقل و آگاهی تحقق پذیرد برتر و بالاتر از ایمانی است که تنها براساس تقلید کورکورانه به منصه بروز و ظهور می رسد.

در این طرز تفکر الهام و عقل نه تنها با یکدیگر بیگانه نیستند بلکه در جهت ارتباط با روح القدس و عالم معنی کاملاً نزدیک و مانوس و آشنا شناخته می شوند. عقل در ارتباط با وحی و الهام تنبّه و تذکر پیدا می کند و در این تذکر و یادآوری به مشاهده هویت خویش می پردازد. عقل به خوبی می داند که هیچ حقی بالاتر از حق حقیقت نیست و به همین جهت پیش از هر تجربه و هرگونه ادراک دیگر در صدد کشف حقیقت و دستیابی به آن بر می آید. منتهی شدن و پایان گرفتن هر امر بالعرض به یک امر بالذات مقتضای حکم صریح عقل است و در این حکم صریح به روشنی معلوم می شود که هیچ حقیقتی بالاتر از حقیقت حق نیست.

ما به آسانی حکم می کنیم که حاصل جمع دو بعلاوه دو برابر چهار است. در این مساله نیز تردید نداریم که این حکم، یک حکم حقیقی به شمار می آید ولی به این مساله نیز باید توجه داشته باشیم که حقیقی بودن این حکم به واسطه این است حقیقت حق، حقیقی است زیرا اگر خود حقیقت حقیقی نباشد، حقیقی بودن هر حکم دیگری بی وجه و بی اساس خواهد بود. در قرآن کریم روی هستی حق تأکید شده و هستی حق به معنی این است که هیچ حقیقتی بالاتر از حقیقت حق نیست وقتی گفته می شود همه حقایق عالم از آن جهت حقایق شناخته می شوند که خود حقیقت، حقیقی است منظور این است که در اصطلاح فنی و فلسفی نسبت هر یک از حقایق با حقیقت حق، از نوع نسبت میان امر مقید با امر مطلق به شمار می آید.